

قانون مجازات عمومی

و حال آنکه در مورد وقوع جرم از ناحیه چند نفری مواضعه قبلی هر يك از مجرمین عمل مستقل و مخصوص بعود را که ممکن است تمام یا قسمتی از آن یا همه مشترک مویا بکای معاین باشد انجام دهند در این صورت هر فرد مشمول همان مقدار عملی است که شخصاً مرتکب شده. در این قبیل جرائم گاه بعضی از اشخاص اصلاً تبرئه میشوند در صورتیکه برخی دیگر نه تنها بجرم مخصوص موورد ارتکاب اکثریت تعقیب و محکوم میشوند بلکه عملیات فردی که خارج از اقدام جمعی مرتکب شده اند مورد باز پرس واقع و بمجازات آنها خواهند رسید مثال در شرکت در جرم بدون مواضعه قبلی بسیار است مانند آنکه چندین نفر در محل ممنوع جمع شوند یا در مورد قتل مشهور یا از دحام مردم حاضر و در اثر تحریک احساسات بایراد ضرب و ادای کلمات توهین آمیز وادار شوند یا در مجامع مذهبی و غیر آن که منتهی بوقوع جرم گردد بدون سابقه وارد گردند در تمام موارد نامبرده نمیتوان کلیه افراد را بیک جرم تعقیب و در باره همگی بیک طرز قضاوت نمود.

هر چند بعضی از دانشمندان با این نظریه موافقت نداشته و معتقدند کلیه افراد شرکت کننده در عملی عرفاً و عادتاً برای همان عمل و منظور واحد جمع شده اند و دیگر تفکیک آنها از همدیگر علاوه از اینکه مخالف با همان عرف و عادت و قصد ظاهری و متبادر از اجتماع آنها خواهد بود بلکه قانونگذار هم هیچ وظیفه در این تبعیض نخواهد داشت پس بقول این دسته همیشه قدر که اجتماع در معبر عمومی جرم و چند یا چندین نفر باینکار مبادرت جستند جرم واقع و همگی در آن شریک اند.

یا در منازعه اشخاص و ایراد ضرب بیکدیگر همیشه چند نفر را دست بکار دیدیم چون عنوان منازعه در باره همگی صادق و معقول نیست کسیکه قصد نزاع ندارد معیناً در آن شرکت کند باید کلیه افراد را در ارتکاب عمل مزبور شریک بدانیم ولی این عقیده بدلائل ذیل پسندیده نیست: اولاً شرط اصلی و مهم در انجام جرم داشتن قصد از طرف فاعل است و صرف اجتماع افراد یا بودن آنها در جزء مرتکبین جرم دلیل مجرمیت آنها نیست چه علاوه از آنکه کلیه شرکت کنندگان در امری همه بکنوع فکر نمیکنند و همه دارای قصد واحدی نیستند ممکن است بعضی از افراد اساساً از اصل موضوع هم بی سابقه و بلکه در عین حضور در اجتماع و صادق بودن شرایط ظاهری برای يك شریک بکلی از ارتکاب جرم (از طرف اکثریت) اجنبی باشد چنانچه در همان مورد مثالهای پیش ممکن است اجتماع در معابر عمومی واقع شده و شخص غایبی که اصلاً قصد شرکت در آن ندارد بعلت نبودن راه عبور متوقف گردد و یا در منازعه بکلی اجنبی بوده و از نظر خیر خواهی و تسکین خشم شرکاء میانجیگری کرده و در این میان شرکت کنندگان بر او هجوم و مشارالیه مجبور بدفاع شود یا در این منازعه بعضی مهاجم و برخی مدافع باشند.

تأیید بین همان شرکت کنندگان اصلی نیز قصد مجرمیت مختلف است - مثلاً ممکن است بعضی محرك اصلی و منظور مقاصد مخفی و باطنی خود آتش اجتماع و ارتکاب جرم را بدامن زنند و باجمع کردن عده که روحشان از نیت پنهانی محركین بی اطلاع است استفاده های مهمی (که

جرم اقدام میکنند.

رایعاً وضعیت اجتماعی افراد نیز باهم فرق دارد مثلاً در بین تمام شرکت کنندگان محیط زندگی - نوع تربیت - طرز فکر - ساختمان بدنی و دماغی - سن اشخاص و بالاخره تمام عوامل مؤثره در وقوع جرم و شرکت افراد در همه یکی نیست و همین عوامل در وقوع جرم و طرز انجام عمل و تغییر ماهیت آن تاثیر کامل دارند.

بعضی از همان شرکت کنندگان از مردم آراسته و با تربیت و با اخلاق هستند که در مواقع عادی نه تنها گرد مناهمی نگشته از آن بیزارند بلکه کمترین فکر انجام جرم نیز بدماغشان آشنائی ندارد منتها وجود کیفیات حاصل چنانچه گفتیم از جمله بودن آنها در اجتماع - تحریک شدن احساسات و تهییج خشم و غضبشان در نتیجه یک سلسله مشاهدات خلاف اخلاق غفلتاً آنها را وادار بعمل خلاف کرده که اگر در حال عادی فکر آرام میگردند ملالت خاطرشان باهویت میرسید. دسته دیگر برخلاف چون از مردم پست و در محیط فاسد زندگی کرده فجع ترین جنایات بنظرشان عادی است پیوسته در کمین فرصت اند؛ اینستکه با اختلاف قصد و علل و موجبات عمل و روحیه مجرمین و عوامل متشکله جرم و نیز اختلاف اجتماعی که از فرد فرد شرکت کنندگان در عملی موجود است نمیتوان درجه مسئولیت و میزان تقصیر و مجازات و حتی نوع جرم و گاه انتساب آن بکلیه افراد را بطور اطلاق عمومیت داده جمعیت را نماینده احساسات - اراده - طرز فکر و علت انجام جرم از طرف تمام افراد دانست.

بنا بجهت نامبرده اکثریت دانشمندان در حقوق جزائی معتقدند که برای تعقیب این قبیل جرائم و تشخیص مقصرین و تعیین درجه مسئولیت آنها هیچوقت قضوت جمعی ممکن نیست بلکه بررسی در روحیات و علل و موجبات مؤثره در جرم و قصد هر یک از شرکت کنندگان برای تعیین نوع جرم و میزان مجازات هر یک مورد لزوم است.

فقط جمعیت مردم و جرم ظاهری بهانه آست (بیرند - برخی دیگر بر خلاف آلت دست بوده و یا اینکه در ظاهر جزء مرتکبین اصلی هستند در معنی تقصیر زیادی ندارند - دسته سوم بدون آنکه کمترین اطلاعی از قصد کرده اول یا تمایل در شرکت باعمل دسته دوم داشته باشند برسبیل اتفاق جمع شده و احساساتشان تحریک و خواه و ناخواه جزء جماعت شده اند - علاوه در بین همان افراد شرکت کننده در جرم نیز وحدت قصد یافت نمیشود - بعضی از روی تعصب جاهلانه طرفدار اصل موضوع اند - جماعتی پیروی کور کوزانه از آنها میکنند (و باصطلاح از مریدان جاهل اند) دسته دیگر اساساً بیطرف و بیکاره بوده فقط حس کجگلوئی آنها را جزء جمعیت کرده است برخی دیگر تماشاچی صرف اند یک عده از شرکت کنندگان نیز اصلاً در حالت عادی از مردم پاک و صحیح العمل بوده و هرگز نمیتوانند خود را راضی بانجام جرم کنند بلکه همین جمع شدن افراد و تظاهرات و مشاهده ناگواریها بعدی احساساتشان را تحریک کرده که از خود بیخود شده اند بطوریکه پس از ختم قضیه و بازگشت بحالت عادی وقتی عملیات خود را یاد آور میشوند بکسلی از اینسکه خودشان با ارتکاب چنین عملی دست زده اند تعجب میکنند.

گروه مخصوصی هم جزء هیچکدام از طبقات نامبرده نبوده و بلکه استفاده چی از موقعیت هر نوع اجتماع بوده و آرا وسیله بر اجرای نیات مجرمانه خود اقرار میدهند مثل دزدان و مخصوصاً جیب برها.

ثالثاً بر فرض اشتراك تقریبی قصد علت و سبب اجتماع و شرکت در جرم نزد همه یکی نیست - مثلاً در جمعیتی که دور قاتلی گرد آمده و او را مورد هجوم و ضرب و شتم قرار داده گاه عملشان بنیمال کردن و کشتن قاتل منتهی میشود همه بیک علت جمع نشده اند چند نفر از خویشان نزدیک مقتول و عرق خویشاوندی محرک احساسات آنهاست - چند نفر از مشاهده واقعه و قتل فجع خشمناک و تحریک شده اند، جماعتی طرفداران قاتل و برای کمک بار و محو آثار